

● سرانجام هیاهوی انتخابات فرانسه فرو نشست و آقای سارکوزی عضو حزب او. ام. پ. یا حزب گلیست به ریاست جمهوری فرانسه رسید. اگر تا پیش از انتخابات سؤال اساسی در فرانسه این بود که چه کسی سرانجام رئیس جمهور خواهد شد، سؤال بنیادین پس از انتخاب این است: «چه گونه حکومت خواهد کرد؟»

زمانی بیل (Bebel) یکی از پیش کسوتان جنبش سوسیال دموکراسی آلمان و اروپا گفته بود: «بگو ببینم دوست تو کیست تا بگویم سیمای سیاسی تو چیست؟» و ظریفی این جمله را به شکل «بگو ببینم چه گونه به قدرت می رسی تا بگویم چه گونه حکومت خواهی کرد!» تغییر داده بود. بی گمان برای گمانه زنی درباره‌ی آینده‌ی سیاسی سارکوزی باید نگاهی به برنامه‌ی انتخاباتی او انداخت هر چند که برنامه‌ی انتخاباتی فقط آرزوها و اهداف کاندیداها را مشخص می کند. واقعیات عینی درون جامعه از توازن نیروهای گوناگون اجتماعی و سیاسی و ساختار شکل یافته آن است و سیاست مداران را ناگزیر می سازد با توجه به آن، تصمیم های خود را بگیرند.

برنامه‌های انتخاباتی آقای سارکوزی عبارتند از: الف سیاست خارجی: ۱- ایجاد یک اتحادیه‌ی اروپای کوچک با شرکت فرانسه، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، یونان و قبرس ۲- افزایش میزان مالیات در اروپا ۳- مخالفت با عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا.

ب برنامه های داخلی: ۱- کاهش مالیات تا ۳ درصد ۲- مجوز کار بیش از ۳۵ ساعت در هفته ۳- حذف مالیات از اضافه کاری ۴- گسترش استفاده از انرژی اتمی.

بر مسایل بالا باید سیاست او در ضدیت با مهاجران را افزود. هر چند این ضدیت به گونه‌ی رسمی در برنامه های او انعکاس نیافت اما در سخنانش بارها بازتاب یافته بود. سارکوزی پس از استعفا از وزارت کشور به منظور شرکت در انتخابات ریاست جمهوری گفت: «فرانسه خشمگین است. خشمگین از هویت ملی و مهاجرت‌های کنترل نشده». رقیبانش او را نومحافظه کاری (New Conservative) با پاسپورت فرانسوی نامیدند. این کنایه وقتی واقعیت پیدا کرد که او در اولین اقدام سیاست خارجی‌اش پس از به قدرت رسیدن کوشید با فرستادن نماینده‌ای به ترکیه از حساسیت‌های ایجاد شده در نتیجه‌ی شعارهای انتخاباتی‌اش بکاهد و این درست حاصل همان واقعیت‌های شکل یافته‌ای است که پیش تر به آن اشاره شد. ترکیه عضو ناتو و پل ارتباطی اروپا با آسیا است. این کشور با کشورهایی که از نظر آمریکا و اروپا بسیار با اهمیت هستند همچون روسیه، ایران، سوریه و عراق هم‌مرز است. ارتشی قوی دارد و از اهمیت سوق الجیشی زیادی برخوردار است. این کشور سال‌ها است تلاش می کند در اتحادیه‌ی اروپا عضو شود و در این تلاش از حمایت ایالات متحده و شماری از کشورهای اروپایی برخوردار



در چنبره‌ی تضاد میان شعار و واقعیت

سیامک طاهری

است. در عین حال در ترکیه گرایش‌هایی قوی برای نزدیکی به کشورهای شرقی و اسلامی وجود دارد. در صورتی که دست رد بر سینه‌اش زده شود امکان گسترش غیر قابل کنترل این گرایش‌ها زیاد خواهد بود. فرانسه و دیگر اروپاییان مجبورند در این زمینه با احتیاط گام بردارند، هر چند چنین شعارهایی برای جذب آرای راست افراطی و هواداران لویپون ضروری بوده است.

شعار افزایش مالیات در اروپا شاید پذیرش بیشتری بیابد ولی ایجاد یک اتحادیه‌ی اروپایی کوچک در قلب اتحادیه‌ی اروپا، بی گمان با استقبال کشورهای نامبرده و مخالفت شدید کشورهای دیگر روبه‌رو خواهد شد. دومین مورد سرسختی واقعیت‌ها در رابطه با آمریکا رخ نمود. بنا به نوشته‌ی نشریه‌ی آلمانی هانوفر آگماینه ساتونگ (Hanofer Allgemeine Zeitung) توافق حاصل شده بر سر موضوع محیط زیست در اجلاس هشت کشور صنعتی جهان (G8) پس از آن حاصل شد که مشاجره‌ای سخت میان سارکوزی و بوش در گرفت و در این مشاجره سارکوزی تهدید کرد این نشست را زود هنگام ترک خواهد کرد. بلر با وارد شدن در این مشاجره کوشید بوش را به امضای تعهدی مبنی بر بازگشت به توافق سازمان ملل متحد دایر بر حفاظت از محیط زیست و هم چنین مبارزه برای جلوگیری از گرم شدن زمین متقاعد کند.

سارکوزی در سفر خود به آمریکا کوشید به دولت مردان این کشور بیاوراند که در صورت پیروزی‌اش در انتخابات ریاست جمهوری، دیگر دو کشور روبه روی هم قرار

نمی‌گیرند. بی گمان روابط آمریکا و فرانسه‌ی سارکوزی دوستانه‌تر خواهد بود تا فرانسه‌ای که یک سوسیالیست بر آن حکومت کند.

سیاست فرانسه در تاریخ پس از جنگ جهانی دوم همواره در چالشی (کم و بیش) با آمریکا قرار داشته است. فرانسه یکی از پنج کشور دارای حق وتو است. این کشور یکی از پیروزمندان جنگ جهانی دوم است و هنوز در مستعمره‌های سابق خود دارای نفوذ است. نفوذی که در پاره‌ای مواقع در تضاد با منافع آمریکا قرار می‌گیرد. تضاد در سیاست‌های دو کشور بستگی زیادی به خواست سیاست‌مداران ندارد و ناشی از تضاد منافع آنان است. فرانسه همواره خود را قدرتی هم ردیف آمریکا به حساب آورده و خواهان نقشی برابر در اداره‌ی جهان بوده است. این تضاد پس از حمله‌ی آمریکا به عراق تا آنجا پیش رفت که منافع کل جهان سرمایه‌داری را به خطر انداخت. اندکی بهبود در روابط می‌تواند برای هر دو طرف مفید باشد.

کار سارکوزی در سیاست داخلی نیز چندان آسان نیست. خواست او درباره‌ی مجوز کار بیش از ۳۵ ساعت در هفته و حذف مالیات از اضافه کاری نتیجه‌ی دوگانه‌ای در پی خواهد داشت. از سویی بخشی از کارگران درآمد بیشتری به دست خواهند آورد و از سویی دیگر تعداد بسی کاران افزایش خواهد یافت. بی گمان این عمل با مقاومت سندیکاهای فرانسه روبه رو خواهد شد. نباید از یاد برد که سندیکاهای فرانسه‌ی بسیار قوی هستند و به دو دسته‌ی سندیکاهای نزدیک به حزب کمونیست و سندیکاهای با گرایش به حزب سوسیالیست تقسیم می‌شوند. هر دو دسته با این برنامه به شدت مخالف هستند. روی کار آمدن آقای سارکوزی به نزدیکی بیشتر این دو دسته می‌انجامد.

با همه‌ی این حرف‌ها سارکوزی ناگزیر است تا شروع انتخابات پارلمانی سیاست نرمی را پیش گیرد تا از ایجاد هیجان عمومی جلوگیری نماید. این مسأله می‌تواند جناح راست رأی دهنده‌گان را از او ناامید کند.



مطالعات فریبی

توضیح تصویر

«همه‌ی امکانات برای پولدارها» تیتیر لیبراسیون است. چپ‌های فرانسه از روزی که سارکوزی بر مسند ریاست جمهوری نشست یک روز راحت نداشته‌اند. لیبراسیون هر روز عصبانی‌تر از روز قبل تیتیر می‌زند. یک روز از رئیس جمهور می‌خواهد در تصمیمات خصوصی‌سازی‌اش تجدیدنظر کند، یک روز انگشت می‌گذارد به شکم برآمده‌ی پولدارها و رئیس جمهور را متهم می‌کند که همه‌ی امکانات را در اختیار آنها قرار می‌دهد و... عقاید کاپیتالیستی سارکوزی می‌تواند بلای جان‌ش شود. او به پشتیبانی آمریکا و غرب دلگرم است و تصمیم گرفته از حجم دولت بکاهد و این یعنی با چپ‌ها در افتادن و هر روز به آشوب کشیدن خیابان‌های پاریس. او روزی هم که در کابینه‌ی شیراک وزیر کشور بود با اعتراض بی‌خانمان‌های فرانسه‌ی درگیر بود و حالا می‌تواند نیمی از فرانسه را علیه خود بشوراند.